

پیش نویس آیین نامه پرنده نگری کشور در خوزستان تهیه می شود

سر آغاز - عکاس پرنده گان: نوید هرمزی



در اولین نشست نحوه تشکیل دبیرخانه پرنده نگری کشور در خوزستان، مقرر شد در اولین فرصت پیش نویس آیین نامه پرنده نگری کشور آماده شود. در نشستی باحضور جمال عامری نسب معاون گردشگری خوزستان، برخی از کارشناسان و فعالان پرنده نگری استان و کشور، محمد الوندی کارشناس محیط زیست و محیط بان پارک ملی کرخه، کرامت حافظی بیرگانی عضو کمیته ثبت پرندگان ایران، عضو انجمن پرنده شناسی خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی (OSME) و عضو کارگروه حفاظت از ذرناهای خاورمیانه (MECCG)، نوید هرمزی عضو باشگاه پرنده نگری ایرانیان و راهنمای طبیعت گردی و آذر دخت نودری کارشناس اکوتوریسم و دبیر کمیته طبیعت گردی، اولین نشست نحوه تشکیل دبیرخانه پرنده نگری در خوزستان برگزار شد.

سه قاره ی اروپا، آفریقا و آسیا است و به دلیل وجود زیستگاه های متنوع و با داشتن ۴۰۲ گونه پرنده (رتبه ی اول پرندگان کشور) یکی از مهم ترین مقاصد پرنده نگری ایران و جهان است.

استان خوزستان زیستگاه بیش از ۴۰۱ گونه پرنده و شاهراه مهاجرت پرندگان سه قاره اروپا، آفریقا و آسیا است. از تالاب هورالعظیم به عنوان گنج تنوع زیستی خاورمیانه تا جزایر پرندگان در خلیج ارس و پارک های ملی دز و کرخه و زیستگاه های متنوع دیگر، این استان را به یکی از مهمترین مقصدهای پرنده نگری ایران و جهان تبدیل کرده است.

تشکیل و استقرار «دبیرخانه دائمی پرنده نگری ایران» در استان خوزستان همچنان که نهادی برای برنامه ریزی در حوزه پرنده نگری کشور است، به ترویج این فعالیت اکوتوریسمی در کشور خواهد پرداخت. تسهیل شرایط ورود گردشگران خارجی تخصصی حوزه اکوتوریسم و پرنده نگری به این استان در راستای حفاظت از گونه ها و توانمندسازی جامعه محلی ضروری است و موانع موجود باید کاهش یابد.

موقعیت جغرافیایی خوزستان، تنوع بی نظیری از فرهنگ های گوناگون را به وجود آورده و به رنگین کمان اقوام شهرت یافته است. آنچنان که تفاوت های موجود، بستر بی شمار عناصر میراث فرهنگی ناملموس با آداب و رسوم و آیین ها، دانش های بومی و هنرهای سنتی، موسیقی و خوراک را به نمایش می گذارد و استان را مستعد میزبانی از گردشگران فرهنگی کرده است. «برگزاری رویدادهای ملی با محوریت

میراث ناملموس استان» از اقداماتی است که می تواند در بالفعل کردن و ماندگاری این ظرفیت ها نقش مهمی را ایفا کند. تنوع اقلیمی و تنوع قومی در خوزستان، سبب وجود روستاهایی با ظرفیت های بسیار بالای طبیعی، تاریخی و فرهنگی شده است. مشارکت و بهره مندی خردمندان مردم محلی از زیستگاه و همراهی نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی مرتبط باید از اولویت های برنامه های گردشگری منطقه در راستای حفاظت و بهبود زندگی در روستاها و بسترسازی در راستای «ثبت جهانی روستاهای گردشگری» در استان شود.

استان خوزستان با حدود ۷۷ گونه پستاندار، ۸۵ گونه خزنده، ۵ گونه دوزیست، ۵۶ گونه ماهی آب های داخلی و ۹۰۰ گونه ماهیان خلیج فارس مستعد «توسعه گشت های تخصصی حیات وحش» با جلب مشارکت جوامع محلی و همراهی و همکاری دستگاه های دولتی و غیردولتی و انجمن های مردم نهاد در حوزه گردشگری و محیط زیست است.

استان خوزستان جایگاه ویژه ای در توسعه انواع محصولات گردشگری دارد؛ این استان قابلیت توسعه محصولات مختلف گردشگری همچون گردشگری طبیعی، گردشگری تاریخی (وجود پنج اثر ثبت شده جهانی و بی شمار آثار تاریخی ثبت شده ملی)، گردشگری روستایی، گردشگری عشایری، گردشگری سلامت، گردشگری جنگ، گردشگری خوراک، گردشگری فرهنگی و گردشگری آبی را دارد. توسعه انواع گردشگری استان، نیازمند آموزش، توانمندسازی جامعه محلی و فراهم نمودن

سر آغاز - عکاس پرنده گان: نوید هرمزی



سر آغاز - عکاس پرنده گان: نوید هرمزی



ریشه شناسی واژه بهون (سیاه چادر)



*دکتر منصور بزرگمهر

ما ایرانیان همیشه نام چادر، سیاه چادر، خیمه، خورگاه و حتی بعضا شادروان و شاهایگان را شنیده ایم که البته همگی نام های گونه هایی از چادر هستند، اما واژه کیان *kuyān* بمعنی خیمه ی گردی که به یک ستون برپا شود برایمان تازگی دارد. کیان صورت متأخر واژه گیان *guyān* است و هیچ پیوندی با واژگان کیانی و کیانیان ندارد. در واقع، این واژه صورت فارسی نوی واژه است که در فارسی میانه بصورت *viyān* ضبط شده است که خود از ایرانی باستان *vi-dāna* مشتق شده و ریشه ایرانی باستان آن *dā* است به معنی نهادن، گذاشتن، قرار دادن و وضع کردن. این ریشه با دریافت پیشوند *vi-* مفهوم عکس می گیرد. این *vi-dāna* به مفهوم عدم قرارگیری یا عدم استقرار دائمی است. چون عشایر سالی چندبار کیان یا همان چادر خود را جابجا می کنند. در زبان کردی نیز به

کیان می گویند دوار *dowār* که ریشه در یک واژه فارسی میانه به معنی چرخنده یا گردنده دارد که این صفت بارز کوچ نشینان است. برای درک بهتر بنگرید به: فارسی میانه ترنانی: *viyān-mān*. چادرنشین، دارای خانه چادری. پهلوی اشکانی: *wiḍān*: چادر. سغدی: *wiyān*. چادر.

همین واژه بصورت زیر به گویش های ایرانی رسیده است که اغلب به معنی چادر، سیاه چادر یا سقف بالای سر هستند. دوانی: *bīyu*. شغنی: *wiḍum*. سریکلی: *waḍem*. یزغلامی: *wəḍem*. بختیاری: *bahūn*. شوشتری و دزفولی: *bohun*. بلوچی: *gidām.gidān*. براهویی: *gidān*.

برای تبدیل *vi* فارسی میانه به *g* فارسی نو بنگرید به: ف.میانه *vinčišk* در ف.نو *gonješk*. گنجشک.

ف.میانه *varāz* در ف.نو *gorāz*. گراز. ف.میانه *višātan* در ف.نو *gošādan*. گشادن. برای تبدیل *vi* فارسی میانه به *b* در گویشهای بختیاری شوشتری و دزفولی بنگرید به: ف.میانه *vinčišk* در شوشتری و دزفولی *bengešk*. گنجشک. ف.میانه *vak* در بختیاری *bağ*. وزق. ف.میانه *vanavšak* در شوشتری، دزفولی و بختیاری *benafš*. بنفشه. ف.میانه *van* در شوشتری، دزفولی و بختیاری *bon*: بن، ریشه.ف.میانه *vēh* در شوشتری، دزفولی و بختیاری *(ba)h*: خوب، بهتر. اما تفاوت سیاه چادر با بهون این است که در گذشته به چادر گردی که با یک عمود یا هسین *hasin* برپا می شد بهون می گفتند و سیاه چادر که در عربی به بیت الشعر معروف است بصورت مستطیلی و با چند عمود برپا می شد. اما امروزه به هر دو هم بهون می گویند و هم سیاه چادر.